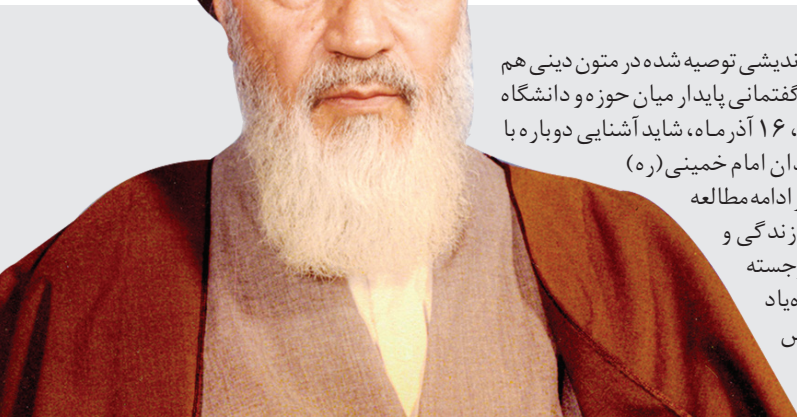


# شاگردان «حاج آقاروح ا...»؛ منادیان آزاداندیشی در دانشگاه‌ها

**در آستانه ۱۶ آذر و روز دانشجو، از تحولاتی نوشته‌ایم که د کتر عباس زریاب خویی، استادسید جلال‌الدین آشتیانی**

**آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی، استاد شهید مرتضی مطهری و ...، به عنوان شاگردان برجسته امام خمینی (ره) در مراکز آموزش عالی به وجود آوردند**



خود، دانشگاهیان را با فضای آزاداندیشی توصیه شده در متون دینی هم آشنا کردند و به این ترتیب، مسیر گفتگمانی پایدار میان حوزه و دانشگاه برقرار شد. در آستانه روز دانشجو، ۱۶ آذرماه، شاید آشنایی دوباره با برخی از این چهره‌ها که از شاگردان امام خمینی (ره) بودند، بی‌مناسبت نباشد. آن‌چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، نگاهی مختصر به زندگی و تلاش‌های شش‌تن از این فضایی برجسته است که در میان آن‌ها، به جز زنده‌یاد دکتر زریاب خویی، بقیه لباس مقدس روحانیت را بر تن داشتند.

از تحصیلات دانشگاهی، به مثابه یک فرصت برای ورود به فضایی ظاهرأ مدرن که توسط رژیم پهلوی و با هدف تربیت نسل جدیدی از نخبگان جامعه ساخته شده بود، استفاده کردند و به این ترتیب، افزون بر آشنا کردن دانشجویان و حتی استادانی که تحصیل کرده خارج بودند، با معارف و ظرفیت‌های حوزه علمیه، توانستند به انتقاداتی که در چنین محیط‌هایی علیه آموزه‌های اسلامی می‌شد، پاسخ دهند. در این بین، شاگردان امام خمینی (ره)، فضلا و اندیشمندانی که به‌ویژه، در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، در محضر آن یگانه دوران تربیت یافتند، نقش بسیار مهمی در انتقال فضای تحقیقی و پژوهشی حوزه‌های علمیه، به دانشگاه‌ها داشتند. بزرگانی مانند شهیدان د کتر مفتاح، استاد مطهری، د کتر باهنر و ... نه فقط در انتقال معارف حوزه به دانشگاه موفق عمل کردند، بلکه با گستره دانش و سعه صدر

**جواد نوائیان رودسری** – با روی کار آمدن رژیم پهلوی و آشکار شدن تدریجی تقابل آن با آموزه‌های دینی از یک سو و از سوی دیگر، نافرجام ماندن تلاش رضاشاه برای وادار کردن حوزه‌های علمیه به تمکین از سیاست‌های فرهنگی جدید، رژیم را واداشت تا بعد از تأسیس دانشگاه تهران، به بهانه تربیت دانشجو در حوزه علوم عقلی و نقلی، دست به تأسیس دانشکده علوم معقول و منقول در دانشگاه تهران بزند تا شاید از این رهگذر، بتواند برای حوزه‌های علمیه، با آن سابقه دیرپای علمی، آلت‌ناتیوی بتراند. غافل از این که به دلیل فقدان استادان قابل اعتنا در حوزه علوم عقلی و نقلی، در میان غیرحوزویان، باید به تدریج این عرصه را در دانشگاه، دوباره به فضایی حوزه‌وار گذارد. طی دهه‌های بعد، با ورود استادان ممتاز و ملیس به لباس روحانیت، این موضوع بیش از پیش به چشم آمد و تا جایی پیش رفت که حوزویان،

## آیت ا... محمد واعظ‌زاده خراسانی

(۱۳۰۴ ش– ۱۳۹۵ ش)

استاد برجسته دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، فعال جهانی حوزه تقریب مذاهب اسلامی و از پیروش یافتگان نامدار حوزه‌های علمیه مشهد و قم بود. آیت ا... واعظ‌زاده در دوران حضور در حوزه علمیه قم، سه سال در درس اصول امام خمینی (ره) شرکت کرد و در این مدت، از درس بزرگانی مانند آیات عظام بروجردی، اراکی و حجت‌نیز بهره‌مند بود. آن‌مر حوم در درس‌های فلسفه علامه طباطبایی هم، شرکت می‌کرد و با دعوت آیت ا... العظمی بروجردی، به جمعی از فضایی حوزه علمیه قم پیوست که در تدوین «جامع احادیث شیعه» نقش داشتند. آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی در سال ۱۳۳۹ ش، عضو هیئت علمی دانشکده تازه تأسیس الهیات دانشگاه مشهد شد و از همان ابتدای فعالیت، نقش مهمی در فعالیت‌های علمی فوق‌برنامه این دانشکده داشت. وی همزمان با تدریس در حوزه، به راهنمایی و پاسخگویی به دانشجویان، به‌ویژه در موضوعات مربوط به علم حدیث مشغول بود. با همت وی و دیگر استادان دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، کنگره هزاره شیخ توسی، در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ در دانشگاه فردوسی برگزار شد و ده‌ه‌ها نفر از استادان بنام علوم اسلامی سراسر جهان، در این کنگره حضور داشتند و دانشجویان نیز، از نشست‌های این مراسم، بهره‌فراوانی بردند. مرحوم واعظ‌زاده خراسانی، در کنار این فعالیت‌های علمی، اهتمامی ویژه به مسئله تقریب مذاهب اسلامی داشت و این اهتمام به واسطه حضور وی در محفل آیت ا... العظمی بروجردی و ارتباطات این محفل با دانشگاه الازهر در مصر، مضاعف شد. آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دست به تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی زد و خود او، سال‌ها ریاست این دانشگاه را برعهده داشت و از این طریق، ارتباطش با نسل جوان و دانشجویان علاقه‌مند برقرار ماند. وی چندی بعد به دبیر کلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز، برگزیده شد. آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی در سال‌های پایان حیات پرتمزش، با وجود کهولت سن، دست از فعالیت‌های پژوهشی بر نداشت و در همان حال، همیشه پاسخگوی دانشجویان و دانشگاهیان علاقه‌مندی بود که برای نگارش مقاله، پایان‌نامه یا رساله به سراغ وی می‌رفتند و آن‌مر حوم نیز، بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، به راهنمایی آن‌ها می‌پرداخت و از این منظر، سهم‌بزرگی در ارتقای جایگاه علمی دانشگاهیان داشت. آثار علمی آیت ا... واعظ‌زاده خراسانی، به عنوان منابعی حوزوی – دانشگاهی، مورد توجه اهل تحقیق است. این استاد ارجمند دانشگاه فردوسی و مدرس فرهیخته حوزه علمیه، در سال ۱۳۹۵ ش در گذشت و پیکرش در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.



## شهید آیت ا... د کتر محمد مفتاح

(۱۳۰۷ ش– ۱۳۵۸ ش)

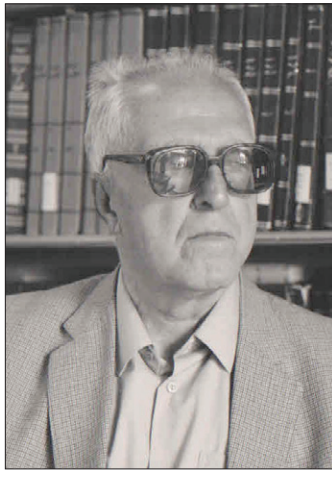
استاد برجسته فلسفه و علوم عقلی در حوزه و دانشگاه، سخنرانی برجسته و از شاگردان میرز امام خمینی (ره). شهید مفتاح در سال ۱۳۰۷ ش در فامنین از توابع همدان متولد شد و پس از طی کردن مقدمات، در سال ۱۳۲۲ ش به حوزه علمیه قم رفت و درست از همین زمان، با امام خمینی (ره) آشنا و بعدها یکی از شاگردان خاص معظم‌له شد. شهید مفتاح همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیلات دانشگاهی نیز، توجه‌ویژه داشت و توانست دکتری خود را در رشته فلسفه، از دانشگاه تهران دریافت کند و به تدریس در مراکز آموزش عالی بپردازد. او علاقه فراوانی به نزدیک کردن طلاب و دانشجویان داشت و به همین دلیل، با دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، امامت جماعت مسجد دانشگاه را برعهده گرفت. د کتر مفتاح با همکاری شهید بهشتی، دبیرستان دین و دانش را در قم تأسیس کرد که یکی از مراکز عمده تربیت نخبگان معتقد به مبانی دینی بود. وی در دوران تدریس در این دبیرستان، کلاس‌های مشترکی برای طلاب و دانش‌آموزان برگزار می‌کرد و می‌گوید افق‌های فکری این دو قشر نخبه جامعه را به یکدیگر نزدیک کند. با آغاز نخبه‌پروری، شهید مفتاح به صورت فعال در آن حضور داشت و به دلیل سخنرانی‌های افشاگرانه خود بعد از سال ۱۳۴۲، بارها بازداشت، زندانی یا تبعید شد. با این حال، او کسی نبود که از میدان مبارزه‌پا پس بکشد. در دهه ۱۳۵۰ ش، سخنرانی‌های او در مسجد الجواد تهران، بسیاری از دانشجویان را به جریان مبارزه علیه رژیم پهلوی کشاند؛ شهید مفتاح در جلسات مسجد الجواد که در آن مباحث مختلف علوم دینی، مانند تفسیر، اصول عقاید و ... تدریس می‌شد، توجه‌ویژه‌ای به بحث و انتقادات داشت. دانشجویان با طرح صریح دیدگاه‌های خود در این جلسات، آزادانه جریان‌های فکری گوناگون را نقد می‌کردند و او نیز، با سعه صدر بسیار، پرسش‌ها و انتقادات آن‌ها را پاسخ می‌داد. این کلاس‌ها که عنوان اسلام‌شناسی داشت، با استقبال گسترده جوانان تحصیل کرده روبه‌رو شد و به همین دلیل، نگرانی ساواک را برانگیخت؛ رژیم‌شاه در سوم آذر سال ۱۳۵۳ و بعد از سخنرانی آیت ا... خامنه‌ای، مسجد الجواد را تعطیل و آیت ا... خامنه‌ای و شهید مفتاح را بازداشت کرد. شهید مفتاح بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دوباره به دانشگاه بازگشت؛ او نخستین سرپرست دانشکده الهیات، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود. شهید مفتاح در شورای انقلاب نیز، عضویت داشت و همزمان از بنیان‌گذاران جامعه روحانیت مبارز تهران بود. اهتمام وی به وحدت حوزه و دانشگاه، در این دوره بیش از گذشته به چشم آمد. برگزاری جلسات پاسخگویی به شبهات و تلاش برای طرح مباحث انتقادی در محیط دانشگاه، شرایط را برای پرورش افکار نخبگان فراهم کرد و آن‌ها، فضایی را تجربه کردند که تا پیش از آن مسبوق به سابقه نبود.



## د کتر عباس زریاب خویی

(۱۲۹۸ ش– ۱۳۸۰ ش)

مورخ، ادیب، نسخه‌شناس و استاد برجسته دانشگاه تهران و از شاگردان امام خمینی (ره) بود. د کتر زریاب خویی در خوی و در خانواده‌ای نسبتاً مرفه به دنیا آمد؛ او بعد از فراگیری مقدمات، در سال ۱۳۱۶ ش و در اوج خفقان دوره پهلوی اول، به قم رفت و توانست با وجود همه محدودیت‌ها به تحصیل در این حوزه بپردازد. او خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام صدر، خوانساری و حجت‌گذراند و در فلسفه، از محضر امام خمینی (ره) بهره برد. د کتر زریاب خویی، پس از مدتی معلمی در زادگاهش، در سال ۱۳۳۴ ش به تهران رفت و به تحصیل در دانشکده معقول و منقول پرداخت. وی بعدها راهی اروپا شد و در رشته فلسفه تحصیل کرد و حدود سه سال، به دعوت دانشگاه برکلی آمریکا، راهی این کشور شد و در این دانشگاه، فلسفه و معارف اسلامی درس داد. د کتر زریاب خویی در سال ۱۳۴۴ ش به ایران بازگشت و به تدریس تاریخ و ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت. کلاس‌های درس او در دانشگاه، یکی از پرشورترین کلاس‌های آموزش فلسفه در آن دوران بود که افزون بر آموزش درس‌های رسمی، مکانی برای عرضه دیدگاه‌ها و به بحث گذاشتن آن‌ها محسوب می‌شد. مرحوم د کتر زریاب خویی بعد از بازنشستگی هم به تدریس و تحقیق ادامه داد و در کنار آثار ارزشمند علمی خود، مقالاتی را در دیواره‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر کرد. وی در سال ۱۳۸۰ ش دارفانی را وداع گفت. د کتر زریاب خویی، ضمن بیان بخشی از خاطرات حضور در محضر درس امام خمینی (ره)، می‌نویسد: «حدود چهار سال و نیم من خدمت آقای خمینی بودم. به خیلی محبت داشتند... سال ۱۳۱۸ ه. ش من نزد ایشان منظومه می‌خواندم. متوجه شدند که درس را خوب می‌فهمم و شورو علاقه هم دارم. تابستان به آذربایجان رفتم و مدتی بعد برگشتم و به تهران آمدم و چند روزی هم در تهران بودم. روزی به حرم عبدالعظیم (ع) برای زیارت می‌رفتم، البته من هیچ گاه معمم نبودم، همیشه با کت و شلوار بودم، آقای خمینی را در حرم دیدم. اصولاً تابستان که حوزه تعطیل می‌شد، ایشان در قم نمی‌ماند یا به مشهد می‌رفت یا به تهران. اطراف‌دَر که، امام‌زاده قاسم، منزل می‌کرد و شاید بیشتر به مشهد مشرف می‌شد. تا مرادید پس از سلام و احوال‌پرسی با نگرانی سؤال کرد: فلانی دیگر نمی‌خواهی به قم برگردی؟ گفتم: آقا اختیار دارید، چطور مگر؟ شاید ایشان فکر می‌کرد که من آمده‌ام تهران بمانم. این دوره بیش از گذشته به چشم آمد. برگزاری جلسات پاسخگویی به شبهات و تلاش برای طرح مباحث انتقادی در محیط دانشگاه، شرایط را برای پرورش افکار نخبگان فراهم کرد و آن‌ها، فضایی را تجربه کردند که تا پیش از این اتفاق ناراحت و نگران بودند.»



## شهید آیت ا... د کتر جواد باهنر

(۱۳۱۲ ش– ۱۳۶۰ ش)

شهید باهنر در کرمان متولد شد و همزمان با حوزه علمیه در مدارس جدید هم تحصیل کرد. او در سال ۱۳۳۲ ش به قم رفت و از همان زمان با امام خمینی (ره) آشنا شد و مدت هفت سال در درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد. شهید باهنر، به تحصیلات دانشگاهی هم توجه داشت و توانست وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شود. او بعد از دریافت مدرک کارشناسی الهیات، کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم تربیتی دریافت کرد و چندی بعد، موفق به دریافت مدرک دکترا از این دانشگاه شد. ارتباط میان شهید باهنر و دانشجویان، از زمان آغاز تحصیلات وی در دانشگاه تهران برقرار بود. هر چند که او به صورت رسمی، کرسی استادی و تدریس در دانشگاه را نداشت، اما یکی از فعال‌ترین روحانیانی بود که در محافل و جلسات دانشگاهی حضور می‌یافت و سخت در پی یافتن گره‌های اعتقادی نسل تحصیل کرده و حل مسائل ذهنی آن‌ها درباره باورهای دینی بود. همین مسئله، شهید باهنر را به یکی از پیوند دهندگان حوزه و دانشگاه تبدیل کرد. بیان رسا، تسلط بر زبان علمی روز و آگاهی گسترده از علوم و معارف دینی، وی را به یکی از محبوب‌ترین افرادی تبدیل کرد که در جلسات مناظره و گفت‌وگوی دانشگاه حضور می‌یافت. شهید باهنر بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷، در تأسیس ده‌ها مرکز پژوهشی، مسجد و کانون‌های تبلیغی نقش داشت و خودش به عنوان یک سخنران دانشمند، در بیشتر این محافل به سخنرانی می‌پرداخت. شهید باهنر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در صحنه‌های مختلف علمی و سیاسی فعالیت حضور داشت. در اردیبهشت ۱۳۵۹، با حکم امام خمینی (ره)، به عضویت ستاد انقلاب فرهنگی درآمد و در مجلس خبرگان قانون اساسی، به نمایندگی مردم کرمان شرکت کرد. او در تشکیل نهضت سوادآموزی و نیز در بنیان‌گذاری فعالیت‌های موسوم به «امور تربیتی» (با همکاری شهید رجایی) سهم بسزایی داشت. شهید باهنر در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم تهران به مجلس راه یافت. وی در مهر ۱۳۵۹، در دولت شهید رجایی تصدی وزارت آموزش و پرورش را برعهده گرفت و پس از آن که در رجایی به ریاست جمهوری انتخاب شد، در ۱۵ مرداد ۱۳۶۰، به نخست‌وزیری رسید و در ۸ شهریور همان سال، در حالی که در جلسه شورای امنیت کشور شرکت کرده بود، بر اثر انفجار بمبی که سازمان منافقین در محل جلسه کار گذاشته بود، به شهادت رسید. شهید د کتر محمد جواد باهنر، مردی خوش فکر، صبور، سلیم‌النفس، کم‌ادعا و پرکار بود و از وی، آثار مکتوب متعددی در حوزه‌های مختلف باقی مانده است.



## شهید آیت ا... مرتضی مطهری

(۱۲۹۸ ش– ۱۳۵۸ ش)

فیلسوف، اندیشمند و نویسنده بزرگ معاصر، از شاگردان برجسته امام خمینی (ره) و استادان محبوب و مشهور علوم عقلی و نقلی در دانشگاه تهران. شهید مطهری مقدمات را در زادگاهش، فریمان و نزد پدرش که از شاگردان آخوند خراسانی بود، طی کرد؛ در سال ۱۳۱۱ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در ۱۳۱۶ به حوزه علمیه قم رفت و مدت ۱۵ سال در این شهر مقدس، به فراگیری علوم دینی پرداخت و از محضر علمای نامداری بهره برد؛ با این حال، امام خمینی (ره) بیش از هر استاد دیگری بر شخصیت وی تأثیر گذاشت. شهید مطهری، شاگرد خصوصی درس «اسفار» امام خمینی (ره) بود و مدت ۱۲ سال در درس اخلاق ایشان حاضر می‌شد. آن‌مر حوم در سال ۱۳۳۴ ش به تدریس در دانشکده الهیات (معقول و منقول) دانشگاه تهران پرداخت. کلاس‌های درس او برای دانشجویان، فرصتی عالی و بی‌نظیر برای بحث و گفت‌وگو درباره مسائل و دیدگاه‌های گوناگون فلسفی به وجود می‌آورد. طرح این مباحث، در شرایطی که تفکرات چپ و الحاد از نفوذ زیادی در میان دانشجویان پیدا کرده بود، نقش زیادی در باریابی هویت اسلامی – ایرانی در میان دانشجویان دلبسته به مذهب داشت و باعث عقب‌نشینی فکری طرقداران جریان‌های ضد دینی شد. شهید مطهری، افزون بر دانشگاه تهران، در مکان‌های عمومی مانند حسینیه ارشدین، سخنرانی می‌کرد؛ سخنرانی‌هایی که در بازسازی مبانی فکری جوانان مسلمان نقش داشت و مانع انحرافات بزرگ فکری می‌شد. این اندیشمند بزرگ که از فعالان تأثیرگذار نهضت اسلامی بود، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه التقاطی فرقان ترور شد و به شهادت رسید. شهید مطهری درباره علاقه‌اش به امام خمینی (ره) و جاذبه درس‌های ایشان، به‌ویژه درس اخلاق، در یکی از آثار خود می‌نویسد: «پس از مهاجرت به قم (در ۱۵–۱۶ سالگی و حدود سال ۱۳۱۵ ش) گمشده خود را در شخصیتی دیگر یافتم. فکر کردم که روح تشنه‌ام از سرچشمه زلال این شخصیت سیراب خواهد شد. اگر چه در آغاز مهاجرت به قم، هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود به معقولات را نداشتیم، اما درس اخلاق که به وسیله شخصیت محبوبم (امام خمینی) در هر پنج شب و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت، درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا مست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای، این درس مرا آن‌چنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را به شدت تحت تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت من، در آن درس و سپس در درس‌های دیگری که طی ۱۲ سال از آن استاد الهی فراگرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را آمیخته با دانسته‌های دایم، راستی که او روح قدس الهی بود.»



## استادسید جلال‌الدین آشتیانی

(۱۳۰۴ ش– ۱۳۸۴ ش)

استاد فلسفه و حکمت اسلامی و بدون اغراق، یکی از برجسته‌ترین استادان این رشته در دانشگاه‌های ایران، از آغاز تأسیس تا امروز. مرحوم آشتیانی، در یکی از روستاهای توابع آشتیان (استان مرکزی) متولد شد و پس از طی کردن مقدمات، در سال ۱۳۲۳ ش به قم رفت و تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. درست از همان زمان بود که با امام خمینی (ره) آشنا شد و در زمره شاگردان ایشان در درس فلسفه قرار گرفت. استاد آشتیانی از دوستان نزدیک شهید آیت ا... سیدمصطفی خمینی محسوب می‌شد و شاید این موضوع، در نزدیکی آن‌مر حوم به امام خمینی (ره) مؤثر بود. استاد آشتیانی در سال ۱۳۳۶ ش به نجف اشرف رفت و بعد از بازگشت، در اواخر دهه ۱۳۳۰ ش، به مشهد مهاجرت کرد و در دانشکده تازه تأسیس الهیات (معقول و منقول) دانشگاه مشهد (که بعداً به فردوسی تغییر نام داد) به تدریس فلسفه و حکمت اسلامی پرداخت. در همین مدت، آثار فیلسوفان چهار قرن اخیر را تصحیح کرد و به‌زیر طبع آراست. حضور استاد آشتیانی در دانشگاه فردوسی مشهد، این دانشگاه را به یکی از قطب‌های علوم عقلی مبدل ساخت. او در کنار دیگر استادان روحانی و مکلای دانشکده الهیات، شاگردانی مبرز را تربیت کرد که بسیاری از آن‌ها، در زمره استادان بنام امروز شناخته می‌شوند. مرحوم آشتیانی فضای بحث و نقد در حوزه علوم عقلی را توسعه داد و با دانسته‌های سرشار خود، فضا را برای جست‌وجو کردی و شناخت بیشتر دانشجویان فراهم کرد. مرحوم آشتیانی علاقه فراوانی به استاد خود، امام خمینی (ره) داشت، آن‌گونه که از بردن نام وی در ابتدای کتاب «شرح مشاعر مالاصدرا» که در سال ۱۳۴۲ ه. و هنگام اوج گیری نهضت اسلامی منتشر شد، خودداری نکرد. استاد آشتیانی در سال ۱۳۸۴ برود حیات گفت. وی در یک نوشتار به مناسبت رحلت امام خمینی (ره)، درباره ایشان می‌نویسد: «امام خمینی (ره) امتحان از بیست سال «شرح منظومه» و «اسفار» تدریس کردند و یگانه مشعل فروزان علم توحید و معرفت ربوبی و استاد وحید در علم عرفان یعنی معرفت اسماء... و نفیس‌ترین دانش بشری موروث از اولیا: علم توحید و ولایت و نبوت و شئون آن محسوب می‌شدند و مدتی برای برخی از ارباب معرفت «شرح قیصری بر فصوص» را تدریس کردند؛ ولی محیط لیاقت آموزش اشرف علوم و فنون را نداشت. روزی از آن جناب سؤال کردم: در فرق بین عطایای ذاتی و اسمایی، آن‌چه را که شارح قیصری نوشته، به نظر حضرت عالی درست است؟ فرمودند: نه. او به نحو اختصار فرق بین این دو قسم از عطایا را بیان فرمودند. عرض کردم: حیف نیست که منع فیض می‌فرمایید؟ اگر همین نصوص فوئوی را که با تعلیقات مرحوم آقا میرزا هاشم چاپ شده است، برای افراد مستعد تدریس بفرمایید، مشکلی پیش می‌آید؟ فرمودند: مساوی است با انتحار، عیب دیگری ندارد!»

